



در نشست «وقف جسد» مطرح شد؛

شرط مشروعیت وقف جسد برای آموزش پزشکی چیست؟/ راهکار دانشگاه‌ها برای حفظ احترام اجساد اهدایی

حجت‌الاسلام وطن‌خواه ضمن تأکید بر حفظ حرمت جنازه مسلمان در متون روایی، تصریح کرد: با وجود «ضرورت» می‌توان از جنازه مسلمان برای تشریح و آموزش پزشکی استفاده کرد. سیدحسین امامی نیز ضمن پرداختن به ضرورت اهدای جسد، به راهکارها و چارچوب‌های دانشگاه‌ها برای رعایت ضوابط اخلاقی و شرعی برای استفاده از اجساد اهدایی اشاره کرد.

«وقف جسد» از موضوعاتی است که برای آموزش دانشجویان پزشکی و رشته‌های مرتبط بسیار لازم و ضروری است. چراکه پزشکان آینده باید قبل از اینکه با بیماران خود روبرو شوند و تیغ جراحی به دست گیرند، تجربه مواجهه با بدن واقعی انسان را داشته باشند تا در میدان عمل دچار تنش نشوند و از پس کار بر بیایند. البته این موضوع نیاز به توجیه و تبلیغ نیز دارد تا مردم راحت‌تر به آن تن بدهند و کمبود فعلی جسد جبران شود.

پیرو صحبت‌های دکتر سعیدرضا عاملی دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی در آیین اختتامیه "هفتمین جشنواره سراسری وقف چشمه همیشه جاری"، و همزمان با ۱۲ مهر، روز وقف، نشست علمی «وقف جسد» با حضور حجت‌الاسلام والمسلمین داود رزمی وطن‌خواه، مدرس حوزه و دانشگاه و عضو دفتر استفتائات مقام معظم رهبری و دکتر سیدحسین امامی رضوی، دبیر شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت بهداشت و عضو پیوسته فرهنگستان علوم پزشکی، با همکاری شورای عالی انقلاب فرهنگی و خبرگزاری ایکننا برگزار شد.

گزارش این نشست را بخوانید؛

ایکننا - بحث را با آقای امامی‌رضوی آغاز می‌کنیم. خوب است در بخش نخست چند مسئله را روشن کنید؛ از جمله اینکه الان در بحث تأمین جسد چه وضعیتی داریم و چه مشکلاتی در این باره وجود دارد تا مخاطبان ضرورت بحث وقف جسد را متوجه شوند. مسئله بعد فرایندی است که اجساد طی می‌کنند، یعنی چه کارهایی روی آنها انجام می‌شود و تدفینشان چگونه است؟ مسئله سوم هم این است که آیا ضوابط و معیارهایی برای بحث تشریح جسد وجود دارد یا خیر؟ در جامعه ما یکسری تقیدات وجود دارد و انگار همین امر مانع می‌شود که افراد به وقف جسد اقدام کنند. آیا این امکان وجود دارد کسی که بخواهد بدنش را وقف کند شرایطی بگذارد؛ مثلاً اگر مرد بود شرط کند که بدنش فقط برای آموزش آقایان استفاده شود؟

امامی: یکی از اصول پایه آموزش دانشجویان پزشکی این است که با بدن انسان آشنا شوند. در آموزش بالینی آموزش بر روی انسان انجام می‌شود. در مراکز آموزشی ما مردم مراجعه می‌کنند و روی آنها کار درمانی انجام می‌شود، دانشجویان بالینی هم یاد می‌گیرند که چگونه کارهای درمانی را انجام دهند. در واقع مردم رضایت می‌دهند که دانشجوی آموزش ببیند. به دانشجوی آموزش داده می‌شود که وقتی می‌خواهد اقدام تشخیصی و درمانی روی کسی انجام دهد، حتماً اجازه بگیرد. دانشجو باید برای فرد توضیح دهد و خودش را معرفی کند و بگوید که می‌خواهم از شما شرح حال بگیرم یا اقدام تشخیصی و درمانی را انجام دهم. این حق بیمار است که از دانشجوی سؤال کند تحت نظر چه کسی است یا حق انجام این کار را به او ندهد. بنابراین این کار معمول است.



اما قبل از اینکه اجازه بدهیم یک دانشجو روی فرد زنده کار انجام بدهد، او باید اطلاعاتی کسب کرده باشد و مقدماتی را گذرانده باشد. مثلاً دانشجویی که می‌خواهد روی زخم



انجام می‌شود مقدمه توانمند شدن دانشجویان تا به انسان زنده آسیب کمتری بزنند. در اصول پزشکی اصلی به نام ایمنی بیمار داریم. اولین مورد که باید به آن توجه شود این است که به مردم آسیب نزنید. برای آسیب نزدن باید مهارت کافی داشت و استفاده از جسد کمک می‌کند که دانشجوی پزشکی مهارت پیدا کند. سوال شما این است کجا این کار ضرورت دارد و آیا رضایتی از فرد گرفته می‌شود یا خیر؟ در بحث بیمار زنده گفتم که این رضایت گرفته می‌شود. در مورد جسد هم وقتی که از شخص رضایت گرفته می‌شود تمام اصولی که شما برشمردید ذکر می‌شود، مثلاً آیا فرد رضایت دارد که جسدش کامل باز شود یا فقط برای بخشی رضایت می‌دهد. بنابراین این مسائل کامل برای فرد توضیح داده می‌شود. استاد تشریح نیز به دانشجویان می‌گوید که باید احترام جسد را حفظ و بر اساس اصول اعتقادی با آن رفتار کنید؛ مثلاً باید تمام اجزایی را که باقی مانده است به بدن برگردانده و تدفین انجام شود. در مورد اینکه شخص می‌تواند وصیت کند چه کسانی در تشریح او حضور داشته باشد هم همین طور است و اگر خانمی می‌خواهد بدنش را وقف کند، می‌تواند بگوید فقط خانم‌ها روی بدنش کار کنند. باید توجه کرد که در اهدای عضو، عضو مورد نظر برداشته و به فرد دیگری پیوند داده و باقیمانده جسد تدفین می‌شود ولی جسدی که تشریح می‌شود باید یکسری فرآوری‌ها رویش انجام شود تا در طول زمان حفظ شود و ممکن است این فرایند دو سه ماه طول بکشد.

ایکنا - قطعاً فروع متعددی درباره وقف جسد مطرح می‌شود. یکی از آن فروع بحث حرمت جنازه مسلمان است. برخی استفتائات را می‌دیدم که مراجع تقلید گفته بودند حتی‌المقدور از جسد مسلمان برای تشریح استفاده نشود. به نظرم این بحث به دو قسمت تقسیم می‌شود؛ یکی تشریح بدن مسلمان و دوم بحث وقف که آیا وقف به معنای حقیقی خودش در اینجا معنا دارد یا نه، نظرتان چیست؟



وطن‌خواه: در خصوص مسئله وقف جسد همانطور که اشاره کردید، دو موضوع کاملاً مجزا وجود دارد؛ یک صحت وقف در زمینه جسد و دوم بحث تشریح. برای تشریح جسد مؤمن باید مطمئن باشیم که خدای متعال اجازه این فعالیت را به ما داده است. از کجا بدانیم که این اجازه وجود دارد؟ از روایات، زیرا در آنها عناوینی آمده است که فقها مطابقش فتوا دادند. یکی از آن عناوین بحث حرمت جنازه مسلمان است، یعنی بی‌حرمتی به جنازه مسلمان حرام است، همان‌طور که بی‌حرمتی به خود مسلمان حرام است. روایات متعددی در این باره داریم. پس احترام به جنازه مسلمان و عدم هتک او مهم است. عنوان دیگری که در ادله فقهی مطرح شده و شاید بتوانیم بگوییم به طور تخصصی از بحث ما خارج است، مثله کردن است که آن هم حرمت دارد. عنوان دیگر تأخیر در دفن است که حرمت دارد. اینها در بحث جنازه مؤمن مطرح شده و درباره همه این عناوین فتوا داده شده است. بنابراین اگر موضوع‌شناسی خوبی انجام دهیم، که مشخص شود تشریح جنازه، مستلزم هتک حرمت جنازه مؤمن نیست یا موجب مثله کردن نیست و نهایتاً موجب تأخیر در دفن است، راه سختی برای احراز رضایت خدای متعال نداریم. الان اهدای عضو و جسد در کشور صورت می‌گیرد و وصیت فرد در این زمینه قابل قبول است، به شرطی که جنازه او هتک حرمت و مثله نشود و بعد از مدتی دفن شود. پس در فقه با این عناوین مواجه هستیم. البته در خصوص وقف جسد به عنوان یک موضوع نوین تاکنون استفتاء نشده است، یعنی با متون فقهی مواجه نیستیم. بنابراین باید استفتاء شود ولی ما می‌توانیم گفتمان‌ش را فراهم کنیم و بعد که مورد استفتاء قرار گرفت پاسخ مرجع تقلید را جویا شویم. در خصوص صحت وقف هم راه سختی در پیش نداریم. وقف و وصیت دو روشی است که به هم شبیه‌اند و تفاوت‌هایی هم دارند. وقتی در وصیت با مشکل مواجه نیستیم، در وقف هم با مشکل مواجه نخواهیم بود. با توجه به کلیاتی که از وقف در دسترسمان است، که با عنوان «تحبیس العین و تسبیل الثمره» مطرح می‌شود، می‌توانیم بگوییم که در وقف جسد بدن را حبس و نیز از منافعش استفاده کنیم. منفعت حلال جسد همان بحث فعالیت علمی است.

ایکنا - وقف جسد فقط با وصیت خود شخص امکان‌پذیر است یا ورثه هم چنین حقی دارند؟

وطن‌خواه: ورثه چنین حقی ندارند و اجازه دادن آنها تأثیری در این زمینه ندارد. البته هم قانوناً و هم شرعاً گفته می‌شود که از ورثه اجازه بگیرید ولی فتاوی‌ای داریم که حتی اگر ورثه اجازه ندادند، ولی ضرورت وجود داشته باشد، اجازه آنها ملاک نیست و می‌توان این کار را انجام داد. بنابراین اجازه آنها مدخلیتی ندارد و اگر از آنها اجازه گرفته می‌شود، از باب احترام به جسد است.



امامی: سؤالی از آقای وطن‌خواه دارم؛ وقتی راجع به فلسفه وقف جسد بحث می‌شود، می‌توان گفت که این جسد نزد ما امانت است و ما مالک جسد نیستیم. آیا می‌توان اینطور نگاه کرد و اجازه فرد را مثل اولیای دم دانست؟

وطن‌خواه: چون اینجا بحث هتک مطرح است، رضایت فرد مدخلیت پیدا می‌کند. امام صادق(ع) می‌فرماید که حرمت مرده مسلمان مثل زنده اوست. اگر کسی دست انسان زنده را بدون رضایت قطع کند، حرمت او را هتک کرده است، ولی اگر همین آدم به پزشک مراجعه کند تا دستش را قطع کنند، هتک حرمت حساب نمی‌شود. رضایت فرد با هتک ارتباط دارد. اگر فرد اجازه دهد که بعد از فوتش از جسد او استفاده کنند، عرفاً هتک محسوب نمی‌شود. در بخشنامه علوم پزشکی هم درباره تشریح نوشته شده است که با رعایت احترام به جسد، فعالیت علمی انجام شود، یعنی مجریان توجه کنند که فعالیت تشریح نباید هتکانه باشد.

امامی: باید وقف جسد با رضایت شخص باشد ولی جسد ما همه وجود ما نیست و اصل ما یک چیز دیگر است. جسد امانتی است که زمانی در اختیار ما بوده و حالا روحمان از آن جدا شده است. بنابراین شایسته است که با رضایت قلبی کار اهدای عضو و جسد را انجام بدهیم و عضو از بین رفته را اهدا کنیم تا برای هدف مقدسی مثل پیوند عضو یا آموزش استفاده شود.

وطن‌خواه: پیوند خوبی است که بحث وقف را درگیر اهدای جسد کنیم. می‌توان اهدای جسد را در قالب اهدا و وصیت انجام داد، ولی وقتی نهادی اجتماعی مثل وقف را درگیر بحث جسد کنیم، در جامعه نگاه مثبتی به آن شکل می‌گیرد و تبعات فرهنگی آن در آینده خودش را نشان می‌دهد.

امامی: یک نکته را در رابطه با تفاوت اهدای عضو و اهدای جسد بیان کنم. در مورد فردی که می‌خواهد عضو را اهدا کند، معمولاً برای اولیای شخص سخت است که رضایت بدهند، چون فرد بین حیات و موت است و افراد هنوز باور نکرده‌اند که این فرد برگشت‌پذیر نیست و رضایت دادنشان دو وجه دارد؛ یک، به زندگی فرد خاتمه داده شود و دو، اعضایش برداشته شود ولی در مورد اهدای جسد مرحله اول طی شده، یعنی فرد فوت کرده است و فقط باید رضایت دهند تا از اعضایش استفاده شود.

ایکنا - نتیجه‌گیری سخنان آقای وطن‌خواه این است که وقف جسد زمانی مشروعیت دارد که ضرورتی باشد. الان بحث واردات جسد از کشورهای دیگر را داریم، با این توصیف این ضرورت را برایمان اثبات کنید.

امامی: قبل از انقلاب زمانی که ما دانشجو بودیم، جسد در دسترس بود، ولی بعد از انقلاب ابهاماتی در این زمینه به وجود آمد و دانشگاه‌ها به این سمت رفتند که از کشورهای غیرمسلمان جسد خریداری کنند که هزینه بالایی داشت، ولی این کار را انجام می‌دادند. متأسفانه تبعات ناشی از تحریم‌ها، خرید جسد را دچار مشکل کرده است و در ده سال اخیر دانشگاه‌ها نتوانستند این کار را انجام دهند.



ایکنا - کشورهای دیگر در این مورد چه وضعیتی دارند؟

امامی: آنها خیلی مشکلی ندارند و گروهی با وصیت این کار را انجام می‌دهند یا از اجساد مجهول‌الهویه استفاده می‌کنند و این امر برایشان یک فرهنگ پذیرفته شده است. الان در کشور یکی از شکایتهای دانشجویان این است که از یک جسد، ده سال استفاده می‌شود و می‌گویند حتی اجازه نداریم به اجساد دست بزنیم و فقط از دور به ما نشان می‌دهند. ما سالیانه شش هزار دانشجوی پزشکی پذیرش می‌کنیم و تقریباً حدود پانصد جسد در سال مورد نیاز است.

همچنین این بحث عین پیوند اعضاست. در بحث پیوند اعضا با وجود تبلیغات زیادی که انجام می‌شود، فقط حدود ده درصد مردم برای اهدای عضو رضایت می‌دهند. در اسپانیا چهل درصد مردم این کار را انجام می‌دهند. اگر ما در بحث اهدای جسد به همین رقم برسیم، قابل قبول است. البته جسد همه افرادی که فوت می‌کنند مناسب این کار نیست و از حدود سیصد، چهارصد هزار نفری که هر سال فوت می‌کنند جسد کمتر از پنجاه درصد قابل استفاده است.

ایکنا - افراد متقاضی اهدای جسد باید به کجا مراجعه کنند؟

امامی: سامانه متمرکزی در این زمینه نیست و دانشگاه‌های علوم پزشکی خودشان اقدام می‌کنند. البته قرار است با کمک پزشکی قانونی این کار انجام شود. در بحث اهدای عضو، تشکیلاتی در وزارت بهداشت هست که شعبه‌هایی در دانشگاه‌های علوم پزشکی دارد و این مسئله را مدیریت می‌کنند. منتهی بحث اهدای جسد باید با پزشکی قانونی مرتبط باشد. به هر حال هنوز این سامانه شکل نگرفته است.